

این برنامه شالوده تعرضات تابستان ۱۹۱۸ متفقین را ریخته و در حقیقت پایه‌ای برای عملیات بعدی آنها بر پا میکرد (۱).

از تعرضاتی که فرمانده کل قوای متفقین در نقشه عملیات خود پیش بینی کرده بود، تعرضی که اجرای آن در درجه اول فوریت بود عبارت از مانوری بود که رهائی «آب ویل» (Abbeville) و راه آهن «آمین به پاریس» را هدف میکرد. ژنرال «فش»، که متعاقب دومین فتح «مارن» بمقام «مارشالی فرانسه» (Maréchal de France) ترفیع یافته بود، در طی دستوریکم ژویه، توجه فرماندهان ذینفع را بضرورت و اهمیت این تعرض جلب نموده بود؛ در ۲۶، کفرانسی تشکیل داده و نقشه این تعرض را با مارشال «هایگ» (Haig)، ژنرال «راولینسون» (Rawlinson) و ژنرال «دوبنه» (Debeney)، فرماندهان ارتش و انگلیس و ارتش فرانسه که مأمور اجرای عملیات بودند بمیان آورد.

قبل از اجرای این نقشه، موفقیت‌هایی تحصیل شده بود. از طرفی ارتش و انگلیس از دو ساحل «سم»، از «آنکر» (Ancre) تا «ویلر - بروتونو» (Villers Bretonneux)، خطوط مقدم آلمانها را دفع کرده و باشغال حفاظه‌هاییکه برای گسترش تویخانه و استقرار ازابه های جنگی خود بآنها احتیاج داشت موفق شده بود.

از طرفی هم، ارتش فرانسه دشمن را از ساحل سمت چپ «آور» رانده و بدینصریق موفق شده بود تویخانه کم برد خود را از جلگه های ساحل سمت راست انتقال دهد؛ مانوریکه اینک این ارتش در نظر گرفته است عبارت از

---

(۱) در ۶ اوت، ژنرال «فش» بژنرال «دیاز» (Diaz)، که در کنفرانس ۲۴ ژویه شرکت نموده بود، مینوشت که، «نبرد «پیار» (Prave) نقشه آلمانها را در ایتالیا و از گون نمود، نبرد «مارن» هم مقاصدیرا که آنها در خاک فرانسه و در قسمت اصلی جبهه غرب تعقیب میکردند بطور قطع زیر و رو کرد. از اینرو، نقشه های دول مرکزی، مبتنی بر اجرای تعرض وسیعی قبل از رسیدن امریکائیا و از گون گردیده است. اینک متافع قطعی و مصالح غیر قابل انکار متفقین در این است که بدون فوت وقت از واژگونی کنونی وضعیت نظامی استفاده نمایند. اکنون باید با نواختن ضربتهای پی در پی و مکرری حریف را از پای در آوریم.»

اینستکه نخست دماغهٔ بین « لوس » (Luce) و « آور » را تصرف کند ، و پس از تأمین این منظور ، حملهٔ خود را بسمت جنوب شرقی متوجه کرده و کلیهٔ وسائل دفاعی خصم را که در امتداد « آور » گسترده شده است منهدم نماید .

ارتش ۳ فرانسه نیز در این عملیات مأموریت داشت نخست سپاه جناح چپ خود را به پستیایی ارتش ۱ سوق دهد ، نادر جنوب « مندیدییه » (Montdidier) حمله ور شده و در تصرف خط « آور » (Avre) تشریک مساعی نماید ، پس از اجرای این عمل ، مأموریت ارتش ۳ بزبور این بود که با تمام وسائل داخل عملیات شده مابین « لاسی نیسی » (Lassigny) و « مندیدییه » نفوذ یافته و بدین طریق از ارتفاعات « لایوتیت - سویس » (la Petite-Suisse) تجاوز کند .

### الف - نبرد پیکاردی

نبرد « پیکاردی » (Picardie) صبح ۸ اوت آغاز و طبق نقشه‌های فرمادهی فرانسه و انگلیس تعقیب گردید .

ارتش ۱۸ | « فن هوتیر » | و ارتش ۲ | « ماروینس » | کاملاً غافلگیر شدند ؛ زیرا ، از طرفی ، توجه آلمانها بمقدمات ظاهری و فریبنده ای که در « فلا در » اجرا میشد جاب شده بود ، و از طرفی نیز ، آلمانها تصور میکردند که قوای احتیاطی فرانسویها به پستیایی نبرد اخیر « مارن » تخصیص یافته است ؛ و از این رو ، ارتش ۱ فرانسه تقریباً به تنهایی حمله ور گردید ، بدون اینکه قوای محسوسی به پستیایی حملهٔ آن گماشته شده باشد .

در شب ۸ ، ارتش ۴ انگلیس تا ۱۰ کیلو متر در جادهٔ « آمین به شن » (Amiens-Chaulnes) پیشروی کرده بود ، ارتش ۱ فرانسه هم جلگهٔ « هانژت » (Hangest) را بتصرف در آورده بود . در ۹ ، « مندیدییه » محاصره شده و بدست متفقین افتاد ، و انگلیسها به « لیهن » (Lihons) رسیدند . روز ۱۰ نیز ، ارتش ۳ فرانسه هم بنوبهٔ خود داخل عمل شده و نسبت به « لایوتیت - سویس » از سمت مشرق شروع به تجاوز نمود .

آنگاه ارتش «راولینسن» (Rawlinson) در سمت «سَم» و مشرف به «هام» (Ham) ، و ارتش «دوبه‌نه» (Debeney) در سمت خط «هام به گویسکار» (Ham-Guiscard) هدایت شدند .

آلمانها ، که اخیراً تقویت شده بودند ، مقاومت شدیدی ابراز داشتند ، و همین خود پیشروی متفقین را بقیمت گزافی تمام میکرد . مقصود آلمانها از این مقاومت سخت این بود که فرصتی تحصیل نمایند ، تا در نتیجه موفق شوند وضعیت خود را ترمیم کرده و تحرك قوای احتیاطی خود را با تشکیلات نوینی بوجه احسن تأمین نمایند . فرمادهی کل نیروی آلمان معتقد بود که مانور دشمن نظیر همان مانوری خواهد بود که او خود سابقاً اجرا می‌کرد ، و تعرضات خصم مانند تعرضات خود او در زمان رده‌بندی خواهند شد ، یعنی متعاقب یکدیگر اجرا خواهند گردید .

طولی نکشید که امید فرمادهی آلمان بدل پُاس شد : زیرا میدان برد «یکاردی» یکباره از سمت جنوب و از سمت شمال توسعه یافت .

قبل از اینکه به بررسی توسعه جدید نبرد پردازیم ، لازم می‌آید نتایج اولیه آنرا بیان کنیم .

نتایج مادی که از این نبرد عاید متفقین گردید عبارتند از رهائی «آمین» و «شاه‌راه» عمده «پاریس - کری - آمین» (Paris-Creil-Amiens) ، گرفتن ۳۰،۰۰۰ اسیر و ۶۰۰ توپ از آلمانها ، منحل شدن ۶ لشکر آلمانی بمناسبت کثرت تلفات (علاوه بر ۱۰ لشکر دیگری که متعاقب نبرد سابق منحل شده بودند) .

نتایج معنوی آن نیز نتایج عظیمی بوده است ، چنانکه دل‌وندرف ، دریادداشتهای خود تعریف کرده است ، باین مضمون :

«در تاریخ این جنگ ، روز ۸ اوت روز ماتم و روز عزاداری ارتش آلمان میباشد . . . . پیشرفت متفقین موفقیت بس ساده ای بود که با کمال سهولت بدست آورده بودند ، بی سبمهای آنها نغمه شادی را منعکس ساخته و این حقیقت را منتشر میکردند که ارتش آلمان دیگر دارای روحیه سابق نیست . . . . ولی این دغه ، بخلاف سال ۱۹۱۶ ، که فقط روحیه ارتش متزلزل شده بود ، اینک روحیه

فرماندهان آن نیز روبهضف میرفت . «لودندرف» استغای خود را با امپراطور تقدیم داشته و استدعا کرد شورای دولتی آلمان دعوت گردد . شورای مزبور در ۱۴ اوت منعقد گردید ، مدیر اوئل عملیات اعتراف کرد که دیگر امیدوار نیست بوسیله عملیات نظامی بر ارادهٔ سلطنتی متفقین فایق گردد ، و از اینرو ، اگر هم به نبرد ادامه بدهد ، فقط برای اینست که کم کم از راه تدافع استراتژیک ارادهٔ مزبور را خنثی کند ؛ و بالاخره با پیشنهاد صدر اعظم ، دایر بر اینکه برای فراهم کردن زمینهٔ صلح ، پیشامد نخستین فرست مساعد را از دست ندهند ، موافقت نمود .

پایداری متحدین آلمان هم از مدتی پیش امید بخش بود ، و از اینرو ، فرمانده کل نیروی آلمان به بچوجه من الوجوه ثبات ارادهٔ آنها اطمینان نداشت . چنانکه ، شارل (Charles) امپراطور اطریش ، که مخصوصاً به «اسپا» (Spa) آمده بود ، به «گبوه» امپراطور آلمان اطلاع داد که ارتش وی تا زمستان آینده هم قادر بمقاومت خواهد بود . بلغارها نیز اگر هم ساکت بودند ، ولی مقاصد باطنی آنها از رویه و روش آنها که در حکم زبان ماطقی بود مفهوم میشد ؛ اینک کابینهٔ «رادوسلاوو» (Radoslavov) سقوط کرده و رئیس دولت کنونی ، «مالینو» (Malinov) بسیاری از اعضاء کابینهٔ جدید خود را از میان وزرائیکه طرفدار متفقین میباشند انتخاب کرده است .

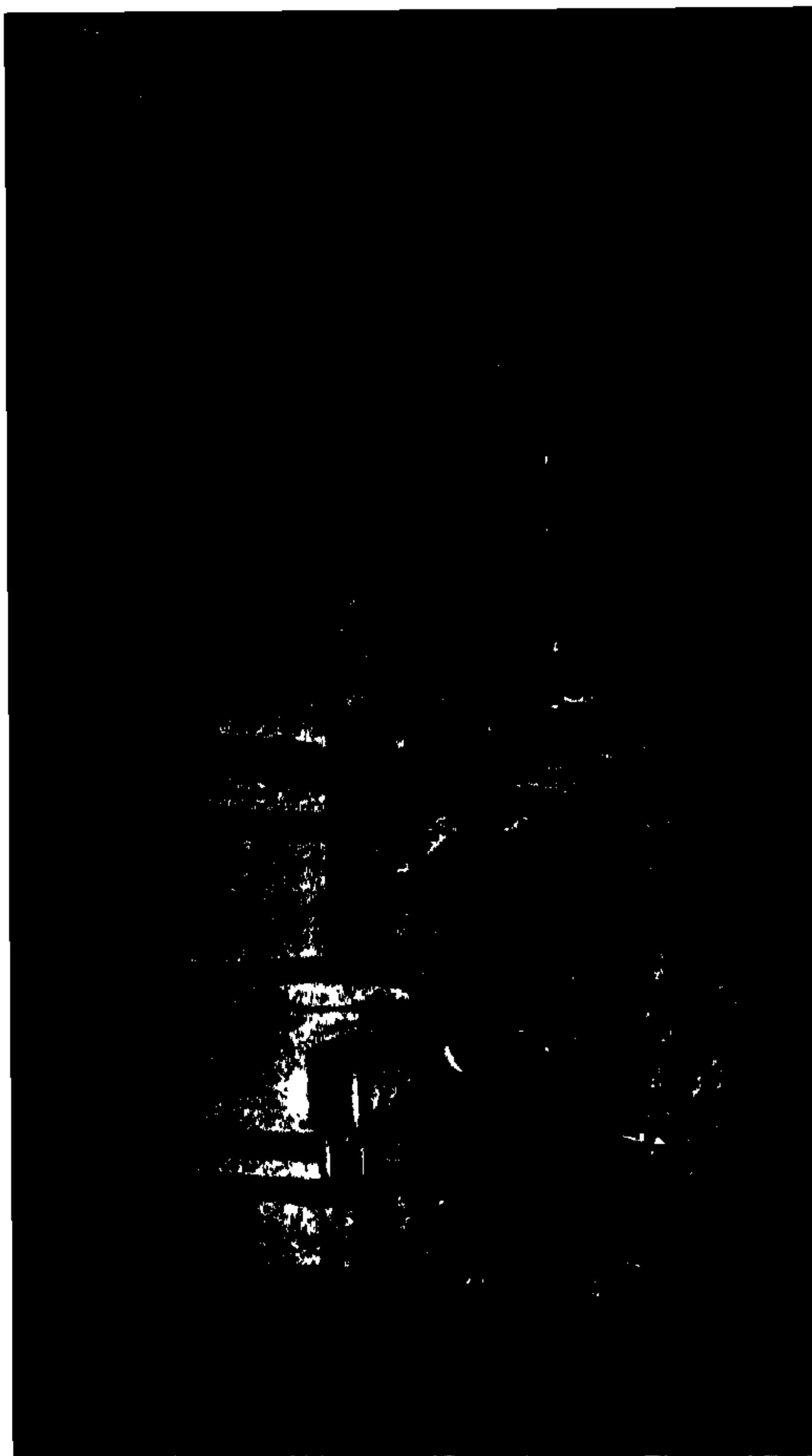
### ب - توسعهٔ جناحین نبرد «پیکاردی»

هنگامیکه احتمال میرفت فشار ارتشهای «راولینسن» (Rawlinson) و «دوبه» (Debeney) با پشتیبانی ارتش «هومبرت» (Humbert) بعد کمال رسیده باشد ، ناگهان آتش نبرد در جناحین شعله ور گردید .

لحست نبرد در سمت جنوب بسط یافت ، و این توسعه عملیات ناشی از پیش بینی های فرمانده کل نیروی فرانسه است که ، پس از عقب شانیدن ارتشهای ۷ و ۹ آلمان بشمال رود «ول» (Vesle) ، فرماندهٔ گروه ارتشهای احتیاطی «فایول» (Fayolle) مقرر نموده بود مقدمات تعرضی بین «او آز» و «ران» را تهیه کند ، باین منظور که دشمن بشمال «او آز» و «رالت» (Ailette) رانده شده و برای اسقاط وسایل

یادشاه انگلیس در آن موقع بازدید همه سربازان خود که در محاربات ابراز رشادت نموده بودند. مدالهای جنگی اعطا بنمایند .

اعطا نموده ۱۳۳۸ ۱۳۰۸



دفاعی حریف در مشرق « سوآسن » از طریق تجاوز جلگه های بین « ان » و « اوآز » بتصرف در آید .

از اینرو ، ارتش ۱۰ فرانسه از ۱۷ تا ۱۹ اوت تدریجاً در امتداد تمام جبهه بین « اوآز » و « ان » درگیر شد ؛ در ۲۰ اوت ، خط مقاومت ارتش ۹ آلمانرا در هم شکست : در ۲۳ ، ساحل سمت چپ « اوآز » را تا نقطه اتصال « اِرت » تصرف کرد ؛ در ۳ سپتامبر ، سر پل عریضی در ساحل شمالی « اِرت » ، در جلو « کوسی لوشاتو » ( Coucy-le-Château ) تصرف نمود . متعاقب این پیشرفتها ، ارتش مزبور خود را مهیا کرد تا به « برآمدگی » خط هیندنبورگ حمله ور گردد . بعد از اینکه ارتش ۳ انگلیس [ ژنرال « بینگ » ( Byng ) ] و جناح راست ارتش ۱ [ ژنرال « هرن » ( Horne ) ] پشت سر هم داخل عملیات شدند ، دامنه نبرد در سمت شمال امتداد یافت .

در ۱۰ اوت ، مارشال « فوش » توجه مارشال « هایگ » را بفوائد حمله ای که در سمت « باپم » ( Bapaume ) و « پرُن » ( Péronne ) اجراء شود جلب نمود : حمله مزبور برای تقویت تکان سختی بود که اینک در همان موقع جبهه آلمانها را در منطقه قسمت غربی « روای » ( Roie ) تهدید میکرد .

از اینرو ، مارشال « هایگ » ( Haig ) طرحی ریخت که اجرای دو عمل متوالی ذیلرا در بر داشت :

هدف عمل نخستین عبارت بود از « برآمدگی » که ، از زمان عقب نشینی آلمانها به « سم » و « آور » ، خط دشمن در اطراف « باپم » تشکیل داده بود . هدف عمل دوم نیز عبارت بود از خط هیندنبورگ بین « اسکارپ » ( Scarpe ) و « ساسه » ( Sensée ) . در این منطقه ، این آرایش تدافعی نقطه اتکاء جناح راست گروه ارتشهای « فن بهن » ( Von Böhn ) بود : اگر شکافتن خط هیندنبورگ در آنجا عملی میشد ، در عین حال خط مقاومت گروه ارتشهای مزبور هم احاطه میگردد . در ۲۱ اوت ، ارتش « بینگ » ، آتش برد را بین « میرومن » ( Miraumont ) و « مواین ویل » ( Moyenneville ) مشتعل ساخت : در ۲۲ ارتش « راولینسن »

بمبار « آنکر » حمله‌ور شد. جناح راست ارتشهای « فن بهن »، در تحت تأثیر این فشار سخت، عقب نشینی اختیار نمود. در ۲۸، « باپیم » بدست انگلیسهای ارتش ۳ افتاد؛ در ۱ سپتامبر، نپه « سن کاتن » و « پرن »، در تحت تأثیر عملیات استرالیاییهای ارتش ۴ سقوط کردند.

این پیشروی انگلیسها، که با پیشروی ارتش ۱۰ فرانسه در شمال « ارات » مقارن بود، چنانکه دیده شد، عقب نشینی آلمانها را در منطقه « روای » (Roye) ایجاب نمود: بدینصورت، آلمانها بعقب « سم » و ترعه بین « هام » (Ham) و « نواین » (Noyon) پناهنده شدند.

در ۲ سپتامبر، مرحله دوم « مانوریکه مارشال « هایگ » طرح نموده بود آغاز گردید.

جناح راست ارتش ۱ انگلیس، که در اجرای عملیات مقدماتی خود تا بتماس خط « دروکور - که آن » (Drocourt-Quéant) نزدیک شده بود، ما بین نقطه اخیر و « سانس »، شکافی در موضع حریف باز کرد. آنگاه، ارتش ۱، به پشتیبانی جناح چپ ارتش ۳ | « بینگ » (Byng) متکی شده و حمله خود را تعقیب نمود: آلمانها در ماوراء ترعه شمالی از « سانس » تا « پرن » رانده شدند. اینک، از خط هیندنبورگ، قطعه‌ای بدست انگلیسها افتاده است. نتیجه این موفقیت عمده آنما محسوس گردید.

در مرکز، گروه ارتشهای « فن بهن » (Von Böhn) بموضع « زیگفرید » (Siegfried) عقب نشینی کرده، و از حوالی غربی « مارکوان » (Marcoing) تا برآمدگی « لافو » (Laffaux) بآرایش این موضع پرداخت. در شمال، ارتش ۱۷ | « اتوفن بلو » (O. von Below) در اراضی « اسکارپ » (Scarpe) قرار گرفته و جناح راست آن در « لاس » (Lens) باقیمانده و جناح چپ آن ارتباط خود را با جناح راست ارتش ۲ محفوظ داشت. ارتش ۶، از طریق بازگشت در خط « ویت چانت - آرمان نیر - لابه » (Wyttschaete-Armentières) (la Bassée)، بقیه فرورفتگی « لیس » (Lys) را از وجود دشمن رفته و تمام

شکاف را اشغال نمود .

در جنوب ، ارتش ۷ مسیر رودخانه «ول» را رها ساخته و از «لا فو» (Laffaux) تا «رانس» جبهه مستقیمی اشغال کرد .

بدین طریق ، آلمانها در تحت فشار فاتحانه متفقین بهمان خطوطی که در ۲۱ مارس از آنجا حمله ور شده بودند بازگشت کرده و اینک در همین خطوط پناهنده میشدند . از ۴ تا ۱ سپتامبر ، ارتشهای ۳ و ۴ انگلیس و ارتش ۱ فرانسه با حرکت پیوسته ای پیشروی کرده و بنقطه های نهائی خط «زیگفريد» (Siegfried) نائل گشتند . از ۱۰ تا ۲۲ نیز ، پست های مقدم دشمن را بعقب رانده و در مسافتی که برای اجرای هجوم بهدفعهای جدید خود مناسب باشد قرار گیرند .

از تاریخ حمله فاتحانه ۸ اوت متفقین ، «لودندرف» دیگر فکری نداشت ، جز اینکه ساعت شکست قطعی را بعقب بیا نندازد . از اینرو ، باین انتظار نمانده بود که فرانسویها و انگلیسها در سر تا سر خط هیندنبورگ با این خط تماس حاصل نمایند ، یا اینکه نخستین آسیب خود را در نقطه ای از خط وارد سازند . بنابراین حزم و احتیاط خود را از دست نداده و پیش از وقت تدابیر لازمه ای اتخاذ کرده و عملیات مفصله ذیل را مقرر نموده بود :

۱ - تخلیه کلیه ملزومات و مواد جنگی بسمت داخله آلمان .

۲ - تهیه وسائل مقدماتی تخریب ، بمنظور تخریب راههای آهن و جاده ها ، و همچنین معادن ذغال .

۳ - ساختمان نخستین موضع عقب نشینی ، بنام «هرمان» - اشتلونگ ،

( Hermann-Stellung ) ، در عقب گروه های ارتشی «بهن» (Böhn) و ولپهد «باویر» .

۴ - اکتشاف موضع عقب نشینی دیگری ، در عقب نخستین موضع مذاکوره بنام «خط آنورس» به موز .

خط «هرمان» (Hermann) در مشرق «بورژ» (Burgess) در سرحد



هلند شروع شده ، و در امتداد ترعهٔ بین « اِکلو » ( Ecloo ) و « لیس » کشیده شده و تا حوالی شرقی « کور تره » ( Courtrai ) خط سیر معکوس رود خانهٔ « لیس » را طی کرده به رود « اِسکو » ( Escaut ) میرسد؛ از آنجا نیز ، تا جنوب غربی « والانسین » دنبال این رود را تعقیب کرده و از طریق « سلم » ( Solesmes ) ، « لو کاتو » ( le Cateau ) ، و « گوئیز » ( Guise ) تا « مارل » ( Marle ) امتداد یافته و در این منطقه بخط « هوندینگ - برونیلد » ( Hunding-Brunhild ) [ که در سال ۱۹۱۷ ساخته شده است ] ملحق میگردد ، و خط اخیر هم بنوبهٔ خود از طریق « سیسون » ( Sissonne ) ، « ریتل » ( Rethel ) و « ووزیه » ( Vouziers ) تا موضعهای دوم گروه ارتشهای « گالویس » امتداد مییابد .

خط « آنورس به موز » از « آلت » ( Alost ) ، « نیول » ( Nivelles ) و « شارلروا » و « ژیهو » ( Givet ) گذشته و از آنجا دنبال رود « موز » را تعقیب میکند . هدف این خط اینست که خط اصلی « آنورس - بروکسل - نامور » را ، که موازی بجهت آتش است ، پوشاند .



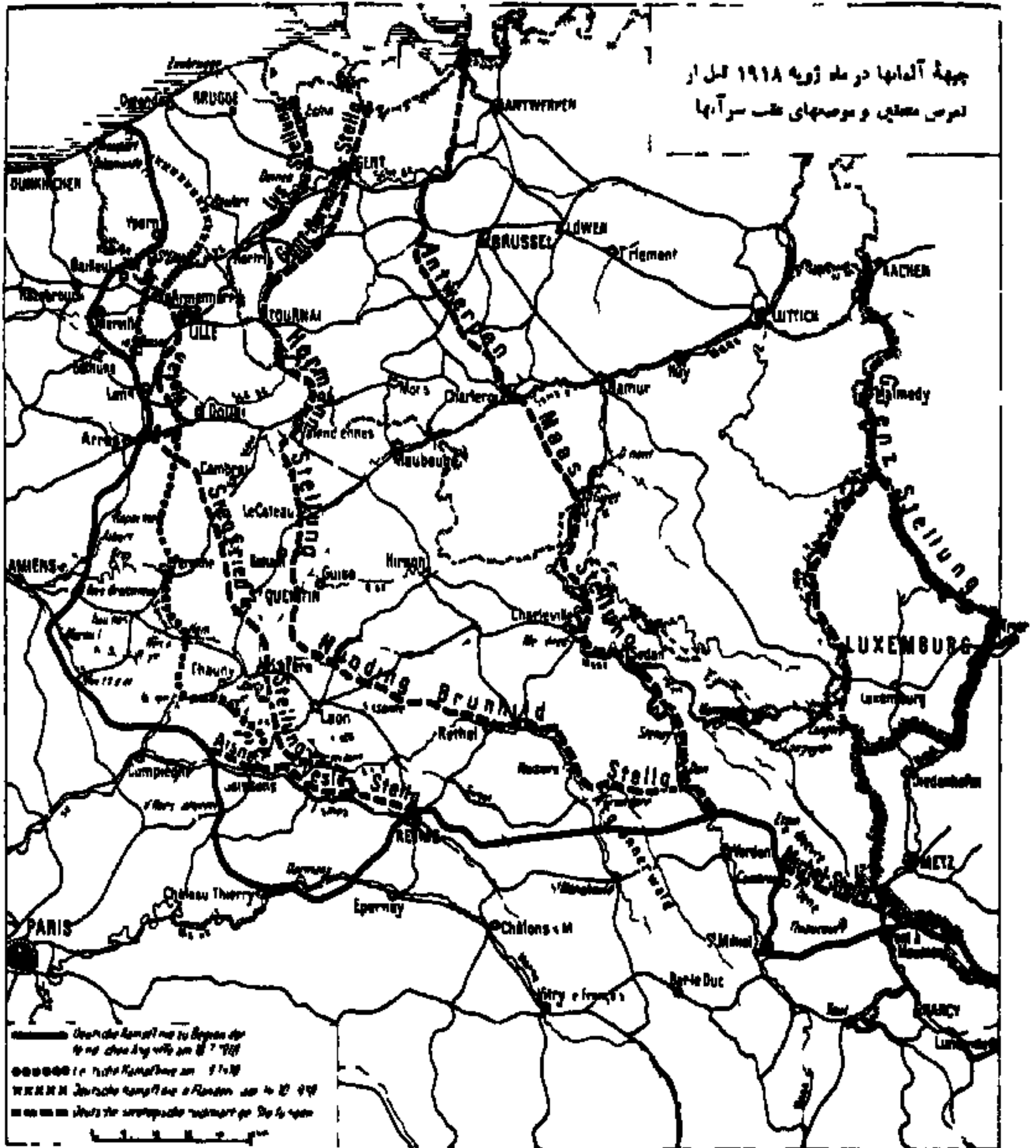
#### ۴ - دستور کلی ۳ سپتامبر - حملات متمرکز

( نشانه شماره ۴ )

در قبال موفقیتهای روز افزون این نبرد ، که از « راس » تا بلندی « کمپل » ( Kemmel ) تدریجاً آلمانها را خط هیندنبورگ براند ، در قبال آثار خستگی و فرسودگی و علائم اختلال و بی نظمی که اینک در عده های آلمانی ظاهر میشد ، فرمانده کل نیروی متفقین پیش از پیش این فکر را تقویت مینمود که از طریق اجرای نبرد جامعی فتح نهائراً تحصیل نماید .

از ۲۸ اوت ، روش این نبرد را توضیح داده و جزئیات آنرا تشریح میکرد ، اساساً ، این نبرد بر « توسعهٔ عملیات متمرکزی » از « موز » تا دریامبنتی بود .

جهت آلمانها در ماه ژوئیه ۱۹۱۸ میلادی  
 نواحی مشخصی و مواضع آنها



اینک ، فرمانده کل نیروی متفقین «وسائل» اشتعال و تغذیه آتش این نبرد عمومی را در اختیار داشت :

۱ - نخست ارتش امریکا است ، که با ۲۶۰،۰۰۰ تن قوای امدادی که در ماه دریافت میدارد ، قادر گردیده است «بالشخصه» قسمتی از عملیات را هدایت کند و در عین حال فرانسویها و انگلیسها را مثل سابق تقویت نماید .

۲ - مسئله کوتاه شدن تدریجی جبهه است ، که با وجود فداکاری های دائمی که از ارتشهای فرانسه و انگلیس خواسته میشود ، مجدداً تشکیل قوای احتیاطی مانور را میسر میسازد . بعلاوه ، کوتاهی جبهه خطوط پوشیده ای هم ، که نقل و انتقال عده ها را تسهیل میکند ، برای متفقین فراهم مینماید .

۳ - ارتش بلژیک ، با قوایی معادل ۱۲ لشکر ( نظیر لشکر های فرانسوی ) که از آغاز مارس حالت تدافعی داشته و حالیه میتواند در نبرد شرکت جوید . با توجه بمندرجات دستور کالی ۳ سپتامبر ، متضمن خط مشی مارشال «فش» ، و برگرفته «دستورانی» که از ۳ الی ۸ سپتامبر به پیوست و در تکمیل آن صادر گردیده است ، اراده نعرض مارشال «فش» کاملاً معلوم میگردد .

در طی این دستورات واحکام ، اجرای سه عمل مقرر شده بود ، بقسمیکه در فواصل ۲۴ ساعت متعاقب یکدیگر آغاز کردند ، از اینقرار :

۱ - ارتش ۱ امریکائی و ارتش ۴ فرانسوی مأمور بودند ، تحت هدایت و اوامر فرمانده کل نیروی فرانسه ، ازدوجانب «آرگن» ، در سمت عمومی «مزیر» حمله ور شوند . نخستین هدف این تعرض این بود که ارتباط نخستین موضع آلمان با خط «کریمهیلد - برونهیلد - هوندینگ» ( Kriemhild-Brunhild- ) ( Hunding قطع شود . بمحض رسیدن باین هدف ، قطع خط راه آهن «هیرسون - مزیر» ( Hirson-Mézières ) هم در آن واحد میسر خواهد شد ، و بالتبعه مقدمه «جدائی» ارتشهای آلمان فراهم گردید ، بدین طریق

که ارتشهای مزبور بدو قسمت تقسیم شده و بوسیله ارتقاغات «آردن» از یکدیگر تفکیک کردند.

۲- ارتشهای فرانسه و انگلیس مأموریت داشتند بین «رنس» و «آراس» بتعرض پردازند. در این عملیات، تلاش اصلی بارتشهای ۱، ۳، ۴ و ۵ انگلیس و ارتش ۱ فرانسه محول گردیده بود تا در «کامبره» و «سن-کاتن» حمله و ربشوند بمنظور اینکه موضع «زیگفريد» (Siegfried) را شکافته و آنگاه بهخط «والانسین-سلم-لوکانو-واسی-نی» (Valenciennes-Solesmes-le Cateau) (Wassigny) که دشمن بنام «هرمان-اشتلونگ» (Hermann-Stellung) تسبیق میداد، نائل گردند.

۳- ارتشهای «فلاندر»: ارتش بلژیک، ارتش ۲ انگلیس و «ارتش فرانسوی فلاندر»، که اینک تحت فرماندهی عالی اعلیحضرت پادشاه بلژیک يك گروه ارتشها را تشکیل داده و مأمور بودند نخست مبدأ حرکتی که خط رأس «فلاندر» شاخص آن باشد تصرف نمایند [«کلر-کم-هوتولست-باشنداثل» - که لوول» (Clerckem - Houthulst - Paschendaele - Gheluwelt) ، و آنگاه در «بروژ» (Bruges) باعمال فعالیت پرداخته و مواصلاات ساحلی را قطع نمایند. در اینموقع، که تعرض جدید متفقین آغاز میگردد، وضعیت دول مرکزی را شرح میدهیم:

از ۱۵ ژوئیه، ۱۶۳ لشکر آلمانی در جبهه فرانسه و انگلیس و بلژیک درگیر شده بودند، از لشکرهای مزبور، ۷۵ لشکر دومرتبه و اغلب تا سه مرتبه داخل نبرد شده بودند. باوجود کوتاه شدن جبهه به ۲۰۰ کیلومتر ابوابجمعی قسمتها و روحیه عدهها آسیبهای سختی دیده و بوضع مدھشی بتحلیل رفته بود، تا جائیکه فرمانده کل نیروی آلمان مجبور شده بود، نسبت بمأخذ سابق، لشکرهای بیشتری بجبهه کمتری تخصیص دهد: چنانکه همان عده لشکر هائی را که در ۱۵ ژوئیه بجبهه اعزام نموده بود، اکنون نیز بجبهه مأمور میگردد. از طرفی هم، مجبور بود

۱۶ لشکر را بکلی منحل کرده ، و در ۵۰ لشکر دیگر هم گرد آنها را از ۴ به ۳ گروهان تقلیل دهد . در قبال وخامت چنین وضعیتی که ممکن نبود با هیچگونه تدبیری ترمیم یابد ، فرمانده کل نیروی آلمان در ۱۱ سپتامبر در زمینه ضرورت اقدام صلح با صدر اعظم آلمان موافقت نموده بود ، تا از راه توسل میانجیگری دولت بیطرفی زمینه آشتی فراهم گردد .

کابینه « وین » بیش از کابینه « برلن » ، بوخامت و ضمیمت واقف گشته و خطر راخلیلی نزدیک میدید ، از اینرو ، دیگر باین فکر نبود که ، در مقابل ملل امپراطوری اطریش و در قبال دشمنان فاتح ، حقیقت امر را پنهان دارد ؛ این بود که در ۱۴ مستقیماً بمتفقین پیشنهاد کرد که در کشور بیطرفی مذاکرات صلح آغاز گردد .

ولی در همین موقع ، دو ضربت سخت پهلوی دول مرکزی نواخته شد . از ۱۵ تا ۲۵ سپتامبر ، جبهه مقدونیه در قبال حمله فرانسویها و صربها مقاومت نموده ، در تحت تأثیر ضربت آنها شکافته و پاشیده شده بود .

از ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر نیز ، انگلیسها عده های منتخب عثمانیها را در فلسطین درهم شکسته و در سمت راه آهن بغداد پیشروی میکردند .

در تحت تأثیر این دو ضربت ، بلغارها و عثمانیها یکباره از میدان نبرد خارج شدند ؛ شکست بلغارها موجبات واژگونی اوضاع اطریش را فراهم ساخت ، تا اندکی بعد در قبال تعرض ابطالیائیها بقایای ارتش آن یکباره منهدم گردد .

فعلأ ، آلمانها باین فکر هستند که از اشد مصائب احتراز جسته و بدفع الوقت بگذرانند ، تا شاید دیگر بار فرصتی فراهم نمایند . مقدم بر هر کاری ، ۵ لشکر در سمت « دانوب » سوق دادند ، برای اینکه مجارستان و مواصلات با رومانی را پوشانند . ولی در ۲۱ سپتامبر ، آلمان هم بمقدرات تن در داده و این دفعه عوض اینکه بدول بیطرف تشبث نماید ، مستقیماً به « ویلسن » ( Wilson ) رئیس جمهور امریکا متوسل شده و میانجیگری دول متحده امریکا را درخواست نمود .

### الف - نبرد « سن-میپیل » و نبردین « موز » و « سویپ »

مارشال « فوش » فرمانده کل ارتشهای متفقین ، در طی دستور کلی ۳ سپتامبر خویش ، مقرر نموده بود که ارتش ۱ امریکا نیز در نبرد شرکت جوید . نبرد نخستین ، که بین « موز » و « سویپ » ( Suippe ) مشتعل میشد ، بمنزله علامتی بود که شروع تعرض نهائی متفقین را اعلام میکرد .

از طرفی نیز ، فراموش نشده است که دستور کای ۲۴ ژوئیه ، مقدم بر هر کاری ، استقرار مواصلاتی را که آلمانها قطع کرده با در معرض تهدید قرار داده بودند مقرر کرده بود ، و از جمله مانور هائیکه در طی این دستور پیش بینی شده بود ، تعرضی بود که اشغال فرورفتگی « سن-میپیل » ( St-Mihiel ) را هدف پیساخت . در ۱۸ ژوئیه ، تعرض متقابل فرانسویها مابین « ان-و-مارن » راه آهن خط « پاریس به شالین » را بر فرانسویها مسترد نموده بود ، در نتیجه فتح ۸ اوت دره پیکاردی ، هم ، که قوای فرانسه و انگلیس بدست آورده بودند ، آلمانها قطعاً خط « پاریس به آمین » را رها ساخته و عقب نشینی کرده بودند . در اینصورت ، تنها عملی که باقی میماند مانور « سن - میپیل » بود که لازم بود مجری گردد .

در ۳۰ اوت ، جبهه بین « پین-سور-سی » ( Pont-sur-Seille ) و « آرگن » بده های امریکائی سپرده شده بود تا در آنجا پی در پی با اجرای دو حمله پردازند : یعنی ، حمله « سن - میپیل » در اجرای عملیات مقرره نقشه ۲۴ ژوئیه ، و حمله بین « موز » و « آرگن » در اجرای دستور کلی ۳ سپتامبر .

در ۱۲ سپتامبر ، امریکائیها فرماندهی شخص ژنرال « برشینگ » بکمک یک سپاه فرانسوی و پشتیبانی ارابه های جنگی بسیار و تقویت لشکر هوایمانی ، از دو سمت ارتفاع « سن - میپیل » حمله ور شدند . از ۸ سپتامبر ، آلمانها مقدمات نخلیه این موضع را ( که اکنون دیگر با وضویت فزونی ارزشی برای آنها نداشت ) با کمال

شتاب فراهم نمودند. از ۱۲ تا ۱۵ سپتامبر، امریکاییها موفق شدند ارتفاع مزبور را کاملاً تصرف کرده و آلمانها را تا موضع «میشل» (Michel) عقب رانده، ۱۶،۰۰۰ اسیر و ۴۴۰ توپ بدست بیاورند.

در ۲۶ سپتامبر، ارتش ۱ امریکائی بفرماندهی ژنرال «لیگجت» (Liggett) و ارتش ۴ فرانسوی بفرماندهی ژنرال «گورو» (Gouraud) در جبهه ای که از «موز» تا «سویپ» (Suippe) امتداد داشت حمله ور شدند. نخستین موضع حریف، که چندان استحکامی نداشت، بدست آنها افتاد، ولی آلمانها مخاطره این تعرض جدید را، که سرتاسر آرایش آنها را تهدید میکرد، احساس کرده در امتداد تمام جبهه مقاومت شدیدی ابراز داشتند؛ از جناح چپ، به ارتفاعات «نتر - دام - ده - شان» (Notre-Dame-des-Champs) بزمین چسبیده، و در مرکز در اراضی صعب العبور «آرکن» ایستادگی کردند؛ در جناح راست، امریکاییها که موفق شده بودند در ۲۷ تل «من فوکن» (Montfaucon) را تصرف نمایند، آهسته و آرام پیشروی میکردند. زد و خورد طرفین تا ۱۰ اکتبر ادامه یافت، تا عاقبت پس از تکرار و تجدید مساعی مجدانه‌ای، این دوارتس (فرانسوی و امریکائی) توانستند از «بریول - سور - موز» (Briulles-sur-Meuse) تا «ره - تل» (Rethel) بتماس خط «برونهلد - کریمهلد» برسند.

### ب - فتح موضع «زیگفرید» نبرد بین «کامبره» و «لان»

در ۲۷ سپتامبر، در اجرای دستور کای ۳ سپتامبر، آتش نبرد (که هنوز بکلی فرو نه‌نشسته و فقط محدود شده بود) دیگر بار از «کامبره» تا «رنس» شعله‌ور گردیده و بیش از پیش شدت یافت.

همان روز ارتش ۱ انگلیس در سمت «هاورنکور» (Havrincourt) از مسیر ترعه شمال [«کامال دونور» (Canal du Nord) گذشته و بلافاصله پس از عبور از مانع مزبور، به پشتیبانی ارتش ۳ [«بنگ» (Byng)] که جناح راست

آنرا تقویت میکرد، جبهه خود را در سمت « کامبره » توسعه داد. ارتش ۳ (پینک) نیز « مارکوان » (Marcoing) را تصرف کرد.

در ۲۹، ارتش ۴ انگلیس هم بنوبه خود حمله ور شده و بین « سن-کاتن » و « لو کاتله » (le Catelet) از ترعه « سن-کاتن » عبور نمود.

ارتش ۱ فرانسه حرکت خود را با حرکت ارتش ۴ انگلیس مرتبط ساخته در شمال و در جنوب از « سن-کاتن » تجاوز نموده و در ۲ اکتبر شهر اخیر را تصرف کرد.

این حملات، که از شمال بجنوب رده بندی شده بودند، با کمال موفقیت انجام گرفتند: « اوتو فن بلو » (Otto von Below) و « ماروینس » موضع « زیگفاید » را ترک نموده و عقب نشینی کردند، اولی بین « سلم » (Solesmes) و « لوکانو » (le Cateau) بخط « هرمان » (Hermann)، دومی بموضع جدیدی که بین « بوهن » (Bohain) و « برنو » (Bernot) با کمال شتاب آراسته شده بود. قوای آلمان که هنوز بین « اوآز » و « رنس » مقاومت میکردند، از جناح راست بمناسبت عقب نشینی ارتشهای خودی، و از جناح چپ بمناسبت پیشروی ارتش « گورو » (Gouraud) در معرض تهدید واقع شده و هر روز بروخامت وضعیت آنها افزوده میشد. از اینرو، چاره خود را در این دیدند که با کمال شتاب مقدمات عقب نشینی خود را فراهم نمایند. فرمانده ارتش ۱۰ فرانسه بوسیله یکنفر فراری بقصد آنها واقف گشت، و از اینرو در ۲۸ سپتامبر حمله ور گردید. در ۳۰ سپتامبر، ارتش ۵ نیز بنوبه خود حمله ور شد. آلمانها « شمن - ده - دام » و ارتفاعات « سن-گوآبن » (Saint-Gobain) را بی دریغ تخلیه کرده و رها نمودند. در روز ۱۳، ارتش ۱۰ به « لائن » (Laon) ورود نمود.

### ج - فتح گروه ارتشهای « فلاندر »

در ۲۸ سپتامبر، گروه ارتشهای « آلبر » (Albert) (پادشاه بلژیک هم بحمله



سوق داده شد. در نتیجه ضربت نخستین، خط راس «فلاندر» که نخستین هدف حمله بود، بتصرف درآمد. فردای روز آغاز حمله، یعنی در ۲۹، شکاف در سمت جنوب توسعه یافت: متفقین به «ویت جیات» (Wyttschaete) و «مسین» (Messines) رسیدند. ولی در این موقع، بارندگی کلیه حرکات را دچار تعویق ساخته پیشروی عده‌ها و نقل و انتقال توپخانه را بزحمت انداخت. ولی با این وصف، در ۱۰ اکتبر، فرورفتگی عمیقی که انتهای آن به «رولر» (Roulers) میرسد در خط آلمانها گشوده شد. این حمله فاتحانه اینک با جناح چپ خود اراضی ساحلی را تهدید مینمود، بدین معنی که ایستادگی آلمانها را در سواحل دریا منقطع میساخت، زیرا بیم آن میرفت که مانور متفقین عقب‌نشینی آنها را بسمت دریا سوق دهد، با جناح راست هم، حمله مزبور در شمال از منطقه «لین» - روبه - نورکوان (Lille-Roubaix-Tourcoing)، که اینک ارتش انگلیس هم از جنوب بمحاصره آن پرداخته بود تجاوز میکرد. (۱)

\* \* \*

## ۵ - دستور کلی ۱۰ اکتبر - پیشروی در سمت «موز»

### تهیه مقدمات ضربت نهائی

راست است که حملات متفقین، در اجرای دستور کلی ۳ سپتامبر، به نتایج درخشانی منتهی گردیده بود: ولی با این وصف، تمرض ارتش امریکا و ارتش فرانسه، که فرمانده کل قوای متفقین منتظر بود تأثیرات عظیمی بر آن مترتب گردد، از لحاظ نتایج استراتژیک توفیق نیافته بود. این دو ارتش با کمال

---

(۱) پیوستگی و سرعت این ضربت‌های پیاپی، در قبال «لودندرف»، که اینک سرعت عقب‌نشینی را احساس میکرد، سخت تأثیر بخشید. اینک «لودندرف» باین فکر است که با اعمال کلیه تدابیر ممکنه متفقین را از عملیات باز دارد، تا اینکه عقب‌نشینی ارتشها به «نفره» و فرار منتهی نشود. لهذا، اصرار و ابرام وی در برلن مسموع افتاد. در ۳ اکتبر، صدراعظم جدید دولت آزادبخواه اخیر آلمان «پرنس ماکس دو باد» (le Prince Max de Bade) تلگرافاً از «ویلسن» رئیس جمهور دول متحده امریکا انعقاد صلح را تقاضا نمود.

سختی موفق شده بودند در قبال خط « برونهیلد - کریمهیلد » آرایش بگیرند ، بدون اینکه در هیچ نقطه ای اندک آسیبی باین خط متوجه نمایند ، آلمانها جدا در این موضع ایستادگی کرده بودند ، زیرا این موضع از « سر » ( Serre ) تا « موز » بمنزله « پهلودار » ارتشهای بود که بین « اوآز » ( Oise ) و دریا درگیر شده بودند .

با توجه بمراپب مندرجه بالا ، مارشال « فوش » در ۱۰ اکتبر دستور جدیدی متضمن عملیات ، فصله ذیل صادر نمود :

۱) تصرف منطقه « لیل » ، با اعمال مانور متمرکزی بوسیله گروه ارتشهای « فلاندر » و ارتشهای جناح چپ انگلیسها ، بقسمی که ارتشهای اخیر فعالیت خود را در دالان بین « سامبر » و « اسکو » ( Escaut ) اعمال کنند .

۲) تجاوز از خط « برونهیلد - کریمهیلد » با اعمال حمله ای که ارتشهای جناح راست مارشال « هایگ » بین « سامبر » و « اوآز » اجرا نمایند ، درحالیکه ارتشهای جناح چپ فرانسویها مابین « اوآز » و « سر » بعملیات پردازند .

در اجرای این احکام ، گروه ارتشهای « فلاندر » در ۱۴ اکتبر از « رامسکاپل » ( Ramscapelle ) تا « لیس » حمله ور گردید . پنج روز بعد ، آردس بلژیک ساحل را تا « ژه بروژ » ( Zeebrugge ) کاملاً رها ساخت ، ارتش ۶ فراسه « تیل » ( Thielt ) را تصرف کرده و در مقابل « کورتزه » در کنار رود « لیس » قرار گرفت ، ارتش ۲ انگلیس « رولر » ( Roulers ) را گرفته و از « کورتزه » تا « هالوئن » ( Halluin ) جبهه خود را بجهت ارتش ۶ پیوست .

اثر این حمله فی الفور محسوس گردید : در ۱۷ اکتبر ، ارتش ۵ انگلیس داخل « لیل » شد ، بدون اینکه با مقاومتی مواجه گردد ، در ۱۸ ، آلمانها « روبه » ( Roubaix ) و « نورکوان » ( Tourcoing ) را تخلیه کردند .

در ۱۷ اکتبر ، مارشال « هایگ » عبور از رودخانه « یسل » پرداخت ؛ ارتش جناح راست وی « واسی نی » ( Wassigny ) را تصرف کرده ، و ارتش ۱

فرانسه را [ که از ترعه «اوآز» به «سامبر» عبور کرد ] نقویت نمود .  
در همین موقع ، ارتش ه فرانسه گشودن شکافی را در موضع «هوندینگ»  
در شمال غربی «شاتو - پرسین» ( Château-Porcien ) آغاز نمود [ از  
۱۵ الی ۱۹ اکتبر ] ؛ ارتش امریکائی بفرماندی «لیگجت» ( Liggett )  
و ارتش ه فرانسه بفرماندهی «گورو» ( Gouraud ) ، دشمن را بعقب رانده  
و تا در شمال ننگه «گران - پره» ( Grand-Pré ) دفع کردند .  
در ۱۹ اکتبر ، فرمانده کل قوای متفقین ، که مجال هرگونه آرایشی را  
از دشمن سلب کرده بود ، دستور کلی جدیدی صادر نمود در طی این دستور  
مقرر شده بود که :

- ۱ - گروه ارتشهای «فلاندر» ، در سمت «بروکسل» پیشروی کند .
- ۲ - ارتشهای انگلیس ، مساعی خود را بمنطقه بین «اسکو» ( Escaut )  
و «سامبر» متمرکز نمایند ، تا در نتیجه دشمن را به ارتفاعات «آردین» براند ،  
و نیز چشمه های نهر های باژیکی را که به «اسکو» میریزند | «داندر - سن»  
( Dender-Senne ) ] ، بنفع گروه ارتشهای «فلاندر» دور زده و احاطه نمایند .
- ۳ - جناح چپ فرانسویها ، در شمال «سر» ( Serre ) ، در سمت «ژیوه» بفعالیت  
خود ادامه دهند ، تا از شمال بعمل تجاوز از خط «هوندینگ» مداومت دهند .
- ۴ - ارتشهای جناح راست فرانسویها و ارتشهای امریکائی ، برای اینکه  
با دو حمله متمرکز ، که یکی بین «سر» و «ان» و دیگری بین «آرگن» و  
«موز» اجرا شوند ، خط «هوندینگ» را درهم شکنند .  
اگر هم بدین طریق آتش نبرد نهائی از دریا تا «موز» افروخته شد ،  
بالعکس ، از رودخانه «موز» تا «سویس» جبهه عملیات تا کنون ساکت  
مانده است .

در ۱۴ اکتبر ، فرمانده کل نیروی فرانسه ه مارشال «فش» خاطر نشان  
کرد که اگر ، پس از تحصیل تفوق در خط «هیرسن - مزیر - لون گوی یون»  
( Hirson - Mézières - Longuyon ) ، حمله ای در «لرن» اجرا شود ،

پیشرفت‌های عمده‌ای باین حمله مترتب خواهد بود.

در ۲۰ اکتبر، فرمانده کل ارتش‌های متفقین، این نظریه را اتخاذ کرده و تصمیم گرفت تعرضی طرح ریزی نموده و تهیه به پیند، تا از دو سمت «مزل» بدست فرانسویها و امریکائیها اجراء گردد، بقسمی که از يك طرف منطقه «لونگی یون» (Longuyon) و از طرف دیگر منطقه «سار» (Sarre) را هدف سازند. سه روز بعد (۲۳ اکتبر)، برسیدن نقشه ژنرال «پتن»، تهیه فوری حملات «لرن» را مقرر داشت. این عملیات «سار» را هدف میگرد.

در این مرحله نوین، انگلیسها از ۲۰ تا ۲۵ اکتبر خط «هرمان» (Hermann) را از «والانسین» تا «کاتو» (Cateau) شکافتند.

ارتش ۱ فرانسه، بعد از اینکه از آن قسمت از رودخانه «اوآز»، که از «لافر» (la Fère) سرازیر میشود عبور کردند، مابین «اوآز» و «یسر» شکافی در محل اتصال خطوط «هرمان» و «موندینگ» وارد آوردند (از ۲۰ تا ۲۷ اکتبر). از ۲۲ اکتبر تا ۳ نوامبر، گروه ارتش‌های «فلاندر» از آن قسمت از رودخانه «یسر»، که در سمت «کورتره» جاری است عبور کرده، و در جلوی «کان» (Gand) از ترعه «اکلو» (Ecloo) گذشته و از شهر اخیر «کان» تا «تورنه» (Tournai) کنار رودخانه «اسکو» (Escaut) را اشغال نمودند. بالاخره، ارتش ۱ امریکا موفق گردید خط «کریمهد» (Kriemhild) را درهم شکند، در حالیکه ارتش ۴ فرانسه بر مقاومتی که دشمن از حوالی شرقی «ووزیه» (Vouziers) تا «گران-پره» ابراز میکرد فایز مییابد. هر دو ارتش در مشرق «آرگن» ملحق شدند، از «گران-پره» تا «دیشن» (Chêne) کلیه تنگه‌ها بدست آنها افتاده بود.

وضعیت ارتش آلمان، که اینک بخودی خود تا این درجه دچار وخامت شده بود، بمناسبت اینکه کلیه متحدین آن از پای در افتاده بودند، روز بروز سخت‌تر میشد. بلغارستان، متعاقب شکست فاحشی که اینک متحمل شده بود در ۲۹ سپتامبر

سلاح را نهاده و میدان نبرد را ترک گفت. از ۲۴ تا ۳۰ اکتبر، ایتالیاییها جبهه اطریش را از «کنه گلیانو» (Conegliano) تا «فلتر» (Feltre) شکافته بودند؛ و در ۳ نوامبر، اطریش - هنگری هم تسلیم گردیده بود. اینک سرحدات جنوبی آلمان بکلی مکشوف گردیدند.

از ۴ نوامبر بعد، بلژیکیها، انگلیسیها، فرانسویها و امریکائیها مدام پیشروی میکردند. حتی امریکائیهای ارتش ۲ نیز اینک از طریق «استنه» (Stenay) و «دامویل» (Damvillers) رو به «من مدی» پیشروی نمودند، و در عین حال در شمال نیز «سدان»، «مزیر»، «موبوژ» و «منس» (Mons) بدست فرانسویها می افتادند.

در ۱۰ نوامبر، جبهه متفقین خط تقریباً مستقیمی تشکیل میداد، که در شمال «کان» از سرحد هلند تا «پن نا مونس» (Pont-à-Mousson) امتداد یافته و تقریباً تمام اراضی فرانسه و آلمان را تفکیک میکرد؛ بدین طریق، از خاک فرانسه، فقط منطقه کوچکی در دست دشمن باقی میماند.

\* \* \*

## ۶ - وضعیت آلمان در ۱۱ نوامبر

### تسلیم آلمان

حملة فرانسویها و امریکائیها در «رآن» تحت فرماندهی و هدایت ژنرال «دوکاستن» (de Castelnau)، فرمانده گروه ارتشهای شرق، نهبه برگردید. مبدئی که برای این تعرض انتخاب شده بود از «نومه نی» (Nomény) تا ترعه بین «مارن» و «رآن» امتداد یافته و بین دو ارتش فرانسوی تقسیم میشد: ارتش ۸ [ژنرال «ژرارد» (Gérard)] که موضع گرفته بود، و ارتش ۱۰ [ژنرال «ماژون»] که در پایان اکتبر از جبهه احضار شده و در جناح چپ ارتش ۸ آرایش گرفت. ۲۵ لشکر پیاده نظام (۱۹ فرانسوی و ۶ امریکائی) مأموریت داشتند به اتفاق ۳ لشکر سوار نظام در حله شرکت جویند. حله مزهون

برای ۱۴ نوامبر مقرر شده بود .

اینک باید دید که با چه وسائلی آلمانها این ضربت جدید را دفع خواهند نمود؟ آیا قوای احتیاطی آنها تکافو میکرد؟ آیا وسائلی داشتند برای اینکه بمانور پردازند؟ نخست باید دانست که از «مزل» تا «سویس» ، جبهه آلمانها با ۲۰ لشکر خسته و فرسوده‌ای که اغلب فاقد قابلیت جنگی بودند حفاظت میشد .

در جبهه فرانسه و بلژیک ، قوای آلمان در این تاریخ هنوز به ۱۸۷ لشکر بالغ میگردید ، وای از مجموع این قوا ۱۷۰ لشکر داخل خط شده و فقط ۱۷ لشکر قوای احتیاطی آنها را تشکیل میداد ، از اینقرار: ۲ لشکر تازه فیس ، ۵ لشکر ترمیم یافته و ۱۰ لشکر خسته و فرسوده . منتهای قدرت این لشکرها این بود که در هر گروهانی ۵۰ تن سرباز در خط جنگ قرار دهند (۱) . استعداد ارتش آلمان از لحاظ ابواب جمعی عده‌ها بهمین حدود محدود میشد .

از لحاظ ملزومات هم ، وضعیت روشن تر نبود . بمناسبت تلفات و آسیبهایکه بملزومات و وسائل بارکشی متوجه شده بود (۲) ، فرماندهی کل ناچار از ۱۵ سپتامبر پیمد ۵۰۰ آتشبار صحرائی و ۵۴۵ آتشبار سنگین ( یا توپخانه سنگین دورزن) منحل کرده و آتشبارهای سنگین را از ۴ به ۳ توپ و هنگهای صحرائی را از ۹ به ۸ آتشبار تقلیل داده بود .

ضرورت جلب بسیاری از کارگران و انتقال آنان از کارخانجات قورخانه بواحدهای محارب ، علاوه بر اینکه برای انحطاط و تزلزل روحیه عده‌ها عامل شومی فراهم نموده بود ، از لحاظ ساخت «مهمات» نیز محصول کارخانجات را بمقادیر معتدایی تزل داده بود ، ارتش آلمان مقادیر زیادی گلوله و خمپاره از دست داده بود ، تا جائیکه اینک توپخانه در نیراندازی خود صرفه جوئی و امساک

---

(۱) در همین موقع ، فرمانده کل ارتشهای متفقین علاوه بر قوای احتیاطی ارتش بلژیک ، ۵۵ لشکر فرانسوی و ۴۵ لشکر انگلیسی و امریکائی در احتیاط داشت .

(۲) از ۱۸ ژوئیه تا ۱۰ نوامبر ، آلمانها ۴۶۵،۰۰۰ اسیر ، ۶،۲۱۷ توپ ، ۳۸،۶۰۰ مسلسل ( سبک و سنگین ) از دست داده بمتفقین تسلیم کرده بودند .

خطرناکی ابراز میکرد ، آن نیز در موقعیکه تنزل قابلیت و ارزش پیاده نظام بالعکس و فور تیراندازی را ایجاب مینمود .

از لحاظ « هوا پیمائی ، وسایل بارکشی ( راه آهن ، کامیون و اتوموبیل ) ،  
بنه ها و ذخائر مختلفه بنزین ، علیق ، خواربار و غیره . . . » هم ، با اندک توجهی  
و خامت وضعیت ارتش آلمان معلوم میشد .

از لحاظ وسائل مانور نیز ، چنانکه خاطر نشان کردیم ، قلت قوای احتیاطی  
و همچنین ضعف و فرسودگی همین قوای محدود تضییقات جبران ناپذیری بود که ارتش  
آلمان را تهدید میکرد ، از اینرو ، آرایش قوا بقسمی بود که فرمانده کل نیروی  
آلمان امکان بکار بردن آرایش مزبور را تقریباً تمام و کمال از دست داده بود .

در ۱۰ نوامبر ، نصف لشکرهای آلمانی مابین « ریدان » و « آت »  
( Ath ) ممرکز یافتند . در نتیجه پیشروی متفقین ، آلمانها راه آهن  
« موبوژ - هیرسن - شارلویل - منمدی - مس » ( Maubeuge - Hirson -  
( Charleville - Montmédy - Metz ) را از دست دادند . اگر هم این خط در  
صرف آنها میماند ، باز موفق نمیشدند قوای احتیاطی خود را به « لرن » گسیل  
دارند . وانگهی ، با کدام وسایل ممکن بود پیشروی دائمی ارتشهای متفقین را  
( بلژیکی ، فرانسوی ، انگلیسی و امریکائی ) ، که لاینقطع از دریا تا « موز »  
تعقیب میکردید ، دفع کنند ؟

پس میتوان گفت که فرمانده کل نیروی آلمان محکوم بود باینکه چند لشکر را  
که جبهه « لرن » را حفاظت میکردند تنها گذارد تا اینکه با پشتیبانی همان قوای  
احتیاط ارتشی خویش با ضربتی که آنها را تهدید میکرد مواجه شوند . حتی ،  
اوامر لازمه داده شده بود برای اینکه کلیه ذخائر موجوده را از استحکامات  
« لرن » و « آلزاس » بداخله آلمان نخبه نمایند . همین خود نشان میدهد که  
فرمانده کل نیروی آلمان قبلاً بشکست خود واقف بوده و انتظار داشت که تا چند  
روز دیگر تعرض متفقین بجبهه « ساربروک - تیونویل - منمدی » ( Sarrebrück -  
Thionville - Montmédy ) برسد .

در ۱۰ نوامبر، جبهه آلمانها از «نزل» تا سرحد هلند تقریباً به ۳۵۰ کیلومتر بالغ میشد، فضای آزادی که از ارتفاعات جنوبی «لیمبورگ» (Limbourg) در جنوب «مائستریخت» (Maestricht) تا «نیونویل» وجود داشت، بخط مستقیم از ۱۵۰ کیلومتر تجاوز نمی نمود؛ شکست قطعی «لرن» ارتشهای آلمانرا مجبور میکرد با کلیه ملزومات قابل تخلیه خود با کمال شتاب از این فضای تنگ عبور نمایند. حل این مسئله بعدی دشوار بود که بعدها نیز، پس از اعلان متارکه جنگ (که متفقین عملیاترا موقوف کرده و ۱۵ روز فرصت میدادند که آلمانها بساحل سمت راست «رن» عزیمت نمایند) این عقب نشینی نهائی، جز با نقض بیطرفی هلند، عملی نشد.

همین چند نکته محرز میدارند که ارتش آلمان در اثر نبرد دائمی ۴ ماهه اخیر بتخلیل رفته و فرسوده شده بود، و این فرسودگی در وضع مادی و معنوی عده های آنها کاملاً هویدا بود، و از اینرو ارتش مزبور قادر نبودنه از لحاظ استراتژی و نه از لحاظ تاکتیک با حمله فرانسویها و امریکائیها در «لرن» مواجه گردد و اکنون این حمله آنرا بشکست فاحش و بی نظیری سوق میداد.

بنا بر این مقدمات، اینک آلمان بکوتنها بادشمنان فاتحی مواجه گردیده بود. بهر سو که رو میکرد، هر روز نه امید میسود شده بود. اکنون چاره منحصر بفرار آلمان این بود که سلاح رانها را تسلیم کرد: زیرا نه جامعه، نه ارتش، نه نیروی دریائی هیچیک آن قدرت را در خود نمیدیدند که باین نبرد ادامه دهند، تا اگر باستخلاص شرافت خود نائل میشدند (که اکنون دیگر غیر ممکن بود) لا اقل از راه تحمل مصائب و بدبختی احترام دشمن را نسبت بخود جلب نمایند.

در ۷ نوامبر، نمایندگان آلمان در «روتند» (Rethondes) با مارشال «فش» ملاقات نمودند؛ در ۱۱ نوامبر، شرایط متارکه جنگ را، که فرمانده کل ارتشهای متفقین تحمیل نموده بود امضاء کردند. (تفصیل آن در بخش آینده شرح داده شده است) منظور اصلی این شرایط این بود که امکان تجدید جنگ را از ارتش آلمان سلب کنند. شرایط مزبور در نظر بعضی بسیار سخت، و در نظر برخی بسیار سهل



مینمود؛ ولی فرانسویها معتقدند که اگر هم شرایط سخت تری تعیین میشد، آلمانها جمله کیرا قبول میکردند. (۱) در هر حال، منظور مارشال «فش» با همین شرایط هم تأمین میشد. ارتش آلمان «که از قسمت عمده توپخانه مسلسلهای سنگین و هواپیماهای خود محروم میشد، و محکوم باین بود که بماوراء رود «رن» پس بنشیند، دیگر مظهر قدرت عمدهای نبود. متفقین، که سرپلهای «کلنی» (Cologne)، «کبلنتس» (Coblentz)، «مایانس» (Mayence) و «کهل» (Kehl) را در اختیار میگرفتند، قادر بودند مراکز حیاتی کشور را [«راسن» (Essen) و «روهر» (Ruhr)] اشغال نمایند. اینک آلمان دچار اختناق میگردد. اگر از قبول عهدنامه ایکه متفقین در نظر داشتند بآن تکلیف کنند خودداری میکرد، ممکن بود متفقین حیات آنرا تهدید نمایند. چنانکه، در ماه ژوئن سال بعد دیده میشد که متفقین با چه خشونتی امضای عهدنامه را بآلمان تکلیف کردند؛ متفقین آلمانها را به پیشروی عمده های خود تهدید نموده و در منطقه رود «رن» عملیات مقدماتی جنگ شروع کردند، و همین خود دولت آلمانرا بامضای عهدنامه و قبول شرایط صلح وادار نمود. (۲)

آخرین مرحله جنگ جهانگیر که از ۲۱ مارس تا ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ دوام یافته بود، نه فقط دو دسته و دو ارتش متخاصمی در جبهه غرب با یکدیگر مواجه میکرد، بلکه دو طریقه متفاوت جنگی هم مطرح مینمود.

در آغاز این مرحله، «اودندرف» تفویق وسائل و ابتکار عمایانرا در دست داشت؛ این بود که از برتری خود استفاده نموده و سه ضربت سخت بارتشهای متفقین وارد آورد، بقسمیکه خود متفقین هم بشدت ضربتهای وی اعتراف کردند. ولی موفق نشد این سه ضربت را ب نتیجه نهائی، یعنی فتح قطعی منتهی سازد. اگر هم

---

(۱) در طی مذاکرات، در جواب اظهار یکی از نمایندگان مختار آلمان، موسوم به «اوبرن درف» (Oberndorf)، دایر بر اینکه تغییر دولت ممکن است امضای معاهده را بتعویق بیاندازد، ژنرال «فن وین تر فلد» (von Winterfeld) پاسخ داده بود: «صدر اعظم جدید هر که باشد [اعم از اینکه بنام «هاآز» (Huase)، یا «ابرت» (Ebert)، یا بهر اسم دیگری موسوم باشد] از دادن امضاء ناگزیر خواهد بود».

(۲) ر. ر. رکولی (R. Recouly)، نبرد «فش»